

گذشته تنها از سنگ ساخته نشده است.

میراث جهانی، تنها بناهای تاریخی و شگفتی‌های طبیعی نیستند، اندیشه‌ها و باورهایی که حافظه جمعی ما را می‌سازند به همان اندازه اهمیت دارند.

لئون پرسویری

استاد دانشگاه در فرانسه

جامعه ملل در آتن در مورد حفظ میراث فرهنگی با تعریف آن در چارچوب نظرات قدیمی شاهکارها یا شگفتی‌های جهان و دیگری حاصل اولین کنفرانس بین‌المللی حفظ طبیعت (۱۹۱۳- برن) و متعاقب آن کنفرانس برونین (۱۹۴۷ Brunnen) است که خود به تأسیس اتحادیه جهانی حفاظت با هدف انتقال جایگاه‌های طبیعی به صورت بکر و سالم به نسل‌های آینده منجر شد.

تاکستان‌ها و شالیزارها به فهرست میراث جهانی راه می‌یابند.

تقسیم میراث به فرهنگی (آثار و بناهای ساخت بشر) و طبیعی (که انسان در خلق آنها دخالت ندارد) تا مدت‌ها بر کاربرد کنوانسیون ۱۹۷۲ غالب بود. در ۱۹۹۴ تقریباً نیمی از آثار ثبت شده در فهرست میراث جهانی، جایگاه‌ها و بناهای اروپا بودند. هیچ چیز نمی‌توانست تا این اندازه با روح کنوانسیون مغایرت داشته باشد.

کمیته میراث جهانی در ژوئن ۱۹۹۴ با تصویب توصیه‌های گروه کارشناسی در مورد نحوه گزینش و ثبت آثار، مفهوم کاملاً متفاوتی از فرهنگ را که حاصل دیدگاه مردم‌شناسان و قوم‌شناسان بود پذیرفت. در این مفهوم فرهنگ تلفیقی از سازمان‌های اجتماعی، شیوه‌های زیست، باورها، دانش‌های فنی و نمودهای فرهنگ‌های گذشته و حال تعریف شده است.

ثبت چشم‌اندازهایی نظیر شالیزارهای کوردیللراس فیلیپین و تاکستان‌های سنت امیلیون فرانسه از جمله نتایج مثبت تغییر خط مشی‌ها در ۱۹۹۴ است. چند سال قبل از

چه وجه اشتراکی میان جایگاه‌های ثبت شده در فهرست میراث جهانی که در این شماره مجله پیام یونسکو گروهی از نویسندگان و هنرمندان را مجذوب و بی‌ژگی غیر قابل جایگزین و بی‌نظیر خود کرده است، وجود دارد؟

ممکن است این جایگاه‌ها از نظر محافل جهانگردی، جاذبه‌های گردشگری شاخصی محسوب نشوند و یا از نظر ساختاری با یکدیگر ارتباطی نداشته باشند، اما نشانه‌های گویای تغییر نگرش نسبت به میراث فرهنگی اند، که یکی محور تدریجی تقسیم‌بندی میراث به فرهنگی و طبیعی و دیگری آگاهی فزاینده نسبت به ارزش میراث معنوی است که در اثر رشد بی‌وقفه روند جهانی‌سازی تحلیل رفته و نادیده گرفته شده است. کنوانسیون جهانی میراث فرهنگی مصوب کنفرانس عمومی یونسکو (۱۹۷۲) مفهومی اساسی نو را در قالب اساسنامه‌ای قانونی و بین‌المللی، مطرح ساخت. اما این کنوانسیون میراث بشری را به گونه‌ای محافظه‌کارانه به دو نوع میراث فرهنگی و طبیعی تعریف کرد. این خود اوج سنت دیرینه و تلاش فکری جدید برای سازگاری شکوه و عظمت هنر با شگفتی‌های طبیعت محسوب می‌شد. انسان برای نخستین بار در قرن دوم پیش از میلاد با طرح عجایب هفتگانه جهان که به شرق مدیترانه محدود می‌شد به تحسین آفریده‌های خود پرداخت.

امواج، ققنوس‌ها و آتش‌فشان‌ها: نشانه‌های قدرت الهی در طبیعت

عده معدودی از این موضوع اطلاع دارند که شگفتی‌های طبیعت در واقع قبل از دوران معاصر و ظهور آگاهی‌های زیست‌محیطی ثبت شده بودند. در نسخه خطی لاتین مربوط به قرن دوازدهم میلادی موجود در کتابخانه ملی فرانسه، هفت عجایب ساخت بشر با هفت شگفتی طبیعی که نویسنده آنها را نشانه‌های قدرت الهی می‌داند، مقایسه شده‌اند. عجایب طبیعی عبارت‌اند از: امواج، ققنوس‌ها (پرنده‌ای افسانه‌ای که از خاکستر خویش به وجود می‌آید)، آتش‌فشان مونت اتنا در سیسیل، چشمه آبگرم در نزدیکی گرونویل (فرانسه) ماه و خورشید. اینها عجایبی هستند که گذر قرون و اعصار بر آنها تأثیر نگذاشته و تنها با پایان یافتن دنیا، از بین خواهند رفت، حال آنکه آثار ساخت انسان خیلی قبل از نابودی جهان نابود می‌شوند.

کنوانسیون ۱۹۷۲ بازتاب این سنت دوگانه اروپایی است و نه حاصل بحث و گفت‌وگو میان فلاسفه، مورخان و جامعه‌شناسان در مورد مفهوم میراث. صرفاً همگرایی دو سنت یا دو مکتب فکری است که یکی نتیجه کنفرانس ۱۹۳۱

کنوانسیون جهانی حفظ میراث فرهنگی و طبیعی در کنفرانس عمومی یونسکو ۱۹۷۲ تصویب شد. این کنوانسیون کشورها را به گزینش آثار تاریخی و طبیعی استثنایی و حفاظت آنها تشویق می‌کند. تاکنون ۱۶۱ کشور به این کنوانسیون ملحق شده‌اند. در نوامبر ۲۰۰۰، ۶۳ جایگاه فرهنگی و طبیعی ۱۱۸ کشور در فهرست میراث جهانی ثبت شده بودند. از این تعداد ۴۸۰ اثر فرهنگی، ۱۲۸ اثر طبیعی و ۲۲ اثر فرهنگی و طبیعی اند. ■

برای اطلاعات بیشتر:

www.unesco.org/whc
World Heritage Review, published quarterly by
UNESCO Publishing
www.worldheritagereview.org

لئون پرسویری
Leon Pressouyre

استاد دانشگاه پاریس و رئیس
کمیسیون حفظ بناهای ملی بوسنی
هرزگووین یونسکو - هماهنگ‌کننده
بین‌المللی ایکوموس در کنوانسیون
میراث جهانی بین سال‌های
۱۹۸۰-۹۰ به‌عنوان:
- نماینده فرانسه در کمیته میراث
جهانی بین سال‌های ۱۹۹۰-۹۷.
- نویسنده کتاب «کنوانسیون میراث
جهانی، بیست سال پس از تصویب
(انتشارات یونسکو، ۱۹۹۳)



مراسمی باشکوه در شهر گندی سریلانکا، تکریم بقایای دندان بودا

میراث یک کشور، هویت آن کشور است.

این میراث چه کوچک، چه بزرگ،

با شکوه یا ساده،

مادی یا معنوی باید

حفظ شود

و برای

همه نسل‌ها

اعتبار و ارزش

داشته باشد.

ای. م. پی

آرشیفتکت آمریکایی

۱۹۱۷

(Tongariro) زلاندنو با مونت آتوس (Mount Atos) در یونان تفاوتی ندارد. گرچه جنگل‌ها و دهانه‌های آتش‌فشانی کوه مائوری مقدس‌اند و مونت آتوس یونان جایگاه بزرگ‌ترین مجموعه آثار هنر بیزانسی است.

افسانه‌ها، باورها و سنت‌ها: حافظان حافظه جمعی
میراث معنوی یا مجموعه‌ای از باورها، افسانه‌ها، سنت‌های مکتوب و شفاهی و اشکال رفتاری یعنی سرچشمه و منشأ تنوع فرهنگی، به فهرست میراث جهانی راه یافته‌اند.

کنوانسیون ۱۹۷۲ تنها اشاره‌ای گذرا به میراث معنوی داشت و آن را با شواهد مادی پیوند می‌زد، اما پس از یک نادیده انگاری طولانی، اکنون به نظر می‌رسد میراث معنوی دقیقاً به‌خاطر آسیب‌پذیری شدید محافظ اصلی حافظه جمعی بشر تلقی می‌شود.

مراکش، کشوری که دیوارها، مساجد و آثار تاریخی‌اش همانند آثار موزه‌ای حفظ شده است، مراکش بدون میدان جمع‌الفنا، چه می‌بود؟ میدان جمع‌الفنا محل تلاقی فرهنگ‌های زنده، پرازدحام، معطر، رنگارنگ و سرشار از نوای موسیقی است. مکانی که ما از آشنایی با آن خرسندیم.

چگونه می‌توان شهرکندی سریلانکا را بدون هزاران زائری که در سال برای زیارت بقایای دندان بودا به آنجا سفر می‌کنند تصور کرد؟ و همین‌طور اگر مردم فرهیخته‌ای که در جایگاه تاریخی سوکور (Sukur) در نیجریه زندگی می‌کنند ناگهان سنن چندین قرنی خود را از دست دهند، چه بر سر جایگاه ثبت شده سوکور خواهد آمد؟

آن و به رغم علاقه و توجه عمومی به باغ‌های تاریخی (نظیر شالیمار در لاهور پاکستان) بحث‌های بی‌فایده احتمالاً مانع ثبت آنها در فهرست میراث جهانی شد.

این امر در مورد میراث صنعتی نیز روی داد. جایگاه‌های صنعتی قبل از ثبت در فهرست میراث جهانی به گونه‌ای تغییر شکل یافته مطرح می‌شدند. برای مثال، معادن نمک در لهستان، آثار نمکی سلطنتی در شهر آرک دو سناس فرانسه به‌خاطر ارزش معماری‌شان، به ترتیب در سال ۱۹۷۸ و ۱۹۸۸ در فهرست میراث جهانی ثبت شدند. اما با افزایش توجه به جاده‌ها، شبکه‌های راه‌آهن، رودخانه‌ها و کانال‌ها - که تا مدت‌های طولانی و احتمالاً به دلیل مشکلات حقوقی حفاظت آنها نادیده گرفته شده بودند - اهمیت بناهای تاریخی کاهش یافت.

دور شدن از مفاهیم قدیمی «شاهکار»

چنین گزینش‌هایی معرف تغییر اساسی مفهوم میراث است. کمیته میراث جهانی برای نخستین بار با زیر سؤال بردن تفکر نشأت گرفته از دوران قدیم و ریشه‌دار فرهنگ اروپا در مورد اینکه چه چیزی شاهکار خوانده می‌شود برای ترسیم تصویری متعادل‌تر از میراث بشری راه جدیدی را گشود. میراثی مشترک و جدایی‌ناپذیر که در آن رابطه انسان با طبیعت کاملاً به رسمیت شناخته می‌شود، به تدریج بر پیش‌ناقص از میراث که کنوانسیون ۱۹۷۲ - به رغم هدف‌های مثبت - آن را ترویج می‌کرد، غلبه یافت. دیگر کوه مقدس مائوری در پارک ملی تونگارو